



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۷/۱۲/۳۱

انجنیر عبدالصبور صافی

## مدارا فروپاشی نظام را به ارمان میاورد:

موجودیت حکومت مرکزی قدرتمند، مشروع و دموکراتیک برای تامین امنیت و ارایه خدمات عامه و اجتماعی در افغانستان یک ضرورت مهم تاریخی بشمار میآید. از این رو، با آن جریان‌های سیاسی‌ای که روند توسعه چنین دولت را در افغانستان مختل میسازند، باید جداً مخالفت کرد. در شرایط کنونی، جنگ‌سالاران محلی که در نتیجه به اصطلاح جهاد، صاحب زور و زرخنده، منافع خود را در یک حکومت ضعیف و مداراجوی مرکزی مثل حکومت زمان کرزی می بینند که توانایی مبارزه با این صاحبان قدرت را نداشته باشد، همانند گذشته با آن‌ها از در امتیاز دادن و مدارا توزیع رتب جنرالی و کرسی های مقتدر سیاسی و دیپلماتیک در داخل و خارج کشور پیش بیاید تا منافعشان به خطر نه افتد.

باید اذعان کرد که جغرافیای ما به صورت تاریخی شاهد رشد حکومت مقتدر مرکزی نبوده است، بلکه همیشه قدرت حکومت از طرف گروه‌های مختلف با مشکل مواجه شده است معمولاً حکومت‌ها از طریق مذاکره و توافق با خوانین، قدرتمندان و منتقدان محلی، حاکمیت خود را در مناطق گوناگون اعمال کرده اند، کرزی هم از همین فرمول استفاده کرد در حالیکه زمان کرزی با زمان‌ها گذشته فرق فاحش داشت کرزی از حمایت وسیع بین المللی برخوردار بود میتوانست به جنگسالاری و رشد این پدیده شوم به ساده گی پایان دهد و اساس یک حکومت مرکزی قوی را بنیاد نهد ولی وی صرف بخاطر بقای خود اندیشید و با خصوصیت ملایم که داشت نتوانست پایه های حکومت مرکزی را توانمند سازد، که این اشتباه نابخشودنی وی یکی از عامل همه بدبختی های امروز کشور عزیز ما شده است، این در حال است که برای تحکیم پایه‌های حاکمیت قانون و افزایش مشروعیت دولت مرکزی در نزد مردم تشویش های جدی وجود دارد، باید جزایر قدرت تضعیف شوند، نیروهای سرکش محلی که برای حفظ منافع خود خواهان موجودیت یک دولت ضعیف مرکزی اند، محدود و از میدان بیرون انداخته شوند زیرا، قدرتمندان و جنگ‌سالاران محلی شاید در مقطعی برای نفع گروهی از مردم کار کنند اما در نهایت، مقصد اصلی‌شان منافع فردی و خانواده‌گی خودشان است و بس؛ نفعی که عمدتاً نامشروع است و در بلندمدت به صلاح توسعه‌ی دموکراتیزه سازی در افغانستان نمی‌باشد.

چندی قبل، یکی از نظامیان ارشد سابق امریکا در افغانستان، آقای «دنیل دیونس» در مصاحبه با تلویزیون صدای امریکا (VOA) بخش پشتو، به نکات جالب و امیدوار کننده ای اشاره کرد، که توجه عزیزان را به ترجمه آن در ذیل جلب می کنم:

### سؤال:

شما در آخرین نوشته تان گفته اید که یکی از دلایل ناکامی امریکا در افغانستان آنست که، ایالات متحده راه ساده ای را برگزید و چهره های سرشناس ائتلاف شمال را به قدرت رسانید. اشاره تان به چه کسانی است؟

### جواب:

وزارت خارجه امریکا، ابتدا در کنفرانس بُن و بعد انتخابات ۲۰۱۴ در تشکیل حکومت وحدت ملی، وساطت کرد. این هردو گام، مشکلاتی ببار آورد. در گام اول، بعد از آنکه طالبان توسط بمباران های سنگین سقوط داده شدند، فقط دو ماه بعد از آن، ما یک حکومت ساختیم و بدون یک تحقیق و مطالعه، هرکسی که باما در جنگ کمک کرده بود، در حکومت جا دادیم و فکر کردیم که هر چیزی بما می گویند، درست است. ایشان هر کسی را که تروریست خطاب کردند، ما به تعقیب آنها می رفتیم. اکثراً کسانی دست به جرایم بشری زدند، که امروز در مقامات بلند حکومت قرار دارند.

### سؤال:

مثلاً کی؟

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

## جواب:

خوب تعداد آنها زیاد است، ولی همین اکنون نام دوستم به فکرم می آید. او متهم به تخلفات زیاد جنگی است.

## سؤال:

بعضی افغانان به این عقیده اند که به میان آمدن حکومت وحدت ملی، آن تعادلی را که افغانستان به آن نیاز داشت، پوره کرد، اما برخی دیگر به این نظر اند که این عمل، زیرپا نمودن قانون اساسی بود و آتش بحرانات سیاسی و رقابت ها را دامن زده است، شما چی فکر می کنید؟

## جواب:

به نظر من، آن گام بسیار نا مناسب بود. ما در سال ۲۰۱۴ آن معامله را انجام دادیم. بعد از تخلفات انتخاباتی، که هردو طرف مرتکب شده بودند، ما به عوض بررسی تخلفات و یا شمارش علنی آرا و اعلان نتایج آن، ما راه آسانی را برگزیدیم و شرایطی را فراهم کردیم، تا هردو طرف در حکومت سهیم شوند.

من در حمله بزرگ پل محمود خان در کابل بودم؛ حادثه که در آن حدود ۴۰۰ نفر کشته و زخمی شدند. رئیس اشرف غنی در مجلس مشترک شورای ملی، بیانیه احساساتی ایراد کرد و گفت که باید متحد شویم و بر مشکلات غلبه کنیم. او پاکستان را مشکل بزرگ دانست و طالبان را دشمن خطاب کرد. آن بیانیه بالای مردم زیاد تأثیر کرد. ولی در آن صدای وحدت خواهی، عبدالله وجود نداشت، ولی چرا وجود نداشت؟ طوریکه من اطلاع یافتم، عبدالله می خواست که در آن مجلس، در محل مخصوص و مقام بلندی چوکی اش گذاشته شود، جائیکه در آن مجلس بنا بر قانون اساسی وجود نداشت، زیرا مقام رئیس اجراییه در سال ۲۰۱۴ ایجاد شد، ولی او گفت نه نه، من باید در بالاترین مقام بنشینم!

یک عضو پارلمان برایم گفت که، تا ساعت یک و نیم شب تلاش شد تا عبدالله در آن مجلس اشتراک کند، ولی او قبول نکرد. حالا شما بگوئید، وقتی رئیس اجراییه، بحیث دومین شخصیت حکومت، بخاطری که چوکی در بالاترین مقام مجلس برایش گذاشته نشده بود، به مجلس حاضر نشود، چگونه می شود در باره وحدت ملی سخن زده شود؟ این یک پیام قوی به مردم می رساند!

## سؤال:

به مسئولین، خاصاً مسئولین افغان، مشوره شما چیست؟

## جواب:

یک تغییر مثبتی که من دیدم اینکه، این کشور اشخاص تحصیل کرده و نسل نو دارد. آنها می خواهند از راه درست و مطابق قانون عمل کنند. خصوصاً نسل نو که فساد نمی خواهد، باید به آنان در چوکات حکومت فرصت داده شود و به عوض جنگ سالاران موقع داده شود. فکر می کنم این مسأله باعث تغییرات مثبت خواهد شد.

به افغانان می گویم: سر در گریبان کنید، ببینید بالای تان چی می گذرد، روحیه وطن دوستی کسب کنید. بخاطر محبت وطن تان، یکجا شوید و خصومت ها و منافع شخصی تانرا کنار بگذارید!

از مصاحبه فوق معلوم میشود که امریکا هم به این حرف پی برده که آوردن جنگسالاران در قدرت یک اشتباه بزرگ و ضربه محکمی به روند دموکراتیزه کردن افغانستان بود، مگر میشود با اخوانی ها، جنگسالاران و چپاولگران دیروز به دموکراسی رسید؟

حال که جامعه جهانی میبذیرد که با آوردن و رشد جنگسالاران اشتباه را مرتکب شده باید با دولت مرکزی کابل در صدد ختم و نابودی قدرت طالبان و زور گویان محلی که ریشه در همان گروه ها چپاولگر دارند محکم بیستند! مسئله دیگری قابل عطف رول داکتر عبدالله عبدالله در وحدت ملی کشور قابل ارزش میباشد که در مصاحبه به آن اشاره شده، داکتر عبدالله در مورد استعفای آقای نور با چند کلمه ساده بسنده کرد و موضع محکم، قاطع و قناعت بخش نداشت سؤال این است که آقای عبدالله میخواهد یک سیاست مدار ملی باشد یا یک سیاست کار جناحی و قومی! تا جای که شخصاً داکتر عبدالله هم در این اواخر متوجه آن شده است، بهتر است که سیاست مدار همگانی و افغانستان شمول باشد و این راز پیروزی وی در آینده خواهد بود در مورد برکناری آقای نور نیز باید رول ملی خود را بازی کند که هم به خیر خودش است و هم به خیر حکومت قانون البته اگر علاقه به قانونمندی داشته باشد.

## درکنار آقای عطا محمد نور باید ایستاد؟؟

عطا محمد نور همواره در نشتهای مطبوعاتی خود اظهار میدارد که وی در نتیجه توافق نامه جان کری به کرسی ولایت تکیه زده و هیچ کسی وی را برطرف کرده نمیتواند؛ مگر تفاهم !!

آقای نور ادعا دارد که یک استعفای بدون تاریخ را با شرایطی تقدیم رئیس جمهوری کرده است، این استعفانامه هر چه که باشد تقدیم آن به این شکل از طرف عظامحمدنور ضعف سیاسی و دیپلماتیک آقای عظامحمد نور را برملا میسازد بهر صورت، توافقنامه جان کری که بین تیم (تحول و تداوم) و ائتلاف (اصلاحات و همگرایی) به امضاء رسیده هیچ گونه تذکر از حزب جمعیت در آن وجود ندارد بناً ادعا عطا نور یک ادعا کاذب فاقد مبنای حقوقی و قانونی میباشد، سروصدا آقای نور صرف تحریک کننده افکار بی سواد و کم سواد جامعه که امروز خواسته و یا نا خواسته در کنار عظامحمد نور استاده اند؛ میباشد، آقای نور در محاسبه توانمندی خود اشتباه رفته است وی بالا افراد حساب کرده که اگر آنها توانمندی داشتند حد اقل در ساحات سکونت خود آرامش و صلح برقرار میکردند خودشان با موثرهای ضد مرمی از خانه بیرون میشوند چطور میتوانند با حکومت مقابله کنند، ولی میتوانند درد سر برای حکومت ایجاد کنند اما از اینکه به کوه ها از ترس داعش و طالب پناه برده نمیتوانند بناً بسیار راحت سرکوب خواهی شد و در این جای تشویش برای دولت باید وجود نداشته باشد.

آقای غنی که در مراسم تجلیل از بیست و پنجمین سالروز پیروزی مجاهدین در کابل صحبت می کرد گفت: «زمان آن به پایان رسیده که یک گروه ها از راه جنگ و خونریزی می توانست قدرت را در افغانستان بدست بگیرد، اصلاحات در نظام و مبارزه با فساد را بطور جدی پی گیری میکند،» در حالیکه عملاً تا هنوز کار ارزشمند در این عرصه انجام نشده همین اکنون یکی دو تن از «جنرالان کرزی» (۱) بر حال در ولایت بلخ حمایت خود را از عطا نور اعلان کردند ولی از طرف دولت مرکزی اقدام جدی انطباطی صورت نگرفت لازم بود که هردو جنرال بدون درنگ بر طرف و خانه نشین میشدند که با تأسف نه شدند، ورنه آقای نور چنین کنفرانس های مطبوعاتی را نمیتوانست به راه اندازد.

پذیرفتن استعفای آقا عظامحمد نور و برکناری وی از مقام ولایت از طرف رئیس جمهوری و ترمذ عظامحمد نور، این را نشان داد که اکنون هم در برابر دولت مرکزی و توانمندی آن مشکلات زیاد وجود دارد که باید برداشته شود، آنهاست که امروز در موجودیت قوای خارجی حرف از مسلح شدن، زور و قدرت میزنند در عدم موجودیت قوای خارجی باز همان دیگ دهه ۹۰ خواهد بود و همان آش و همان کاسه!!

احزاب سیاسی، سیاست مداران و شخصیت های با نفوذ اگر خواهان ایجاد یک نظام دموکراتیک قانونمند و با قدرت قوی مرکزی میباشند باید بدانند که در کنار عظامحمد نور قرار گرفتن منجر به بی ثباتی شده و هرگز افغانستان صاحب یک دولت مرکزی قوی، صلح و آرامش نخواهد شد!! در این هم جای شک نیست که یک عده خواهان هرج و مرج و فروپاشی نظام اند بدون آنکه عاقبت آنرا درک کنند و یا اینکه منافع شان با منافع کشورهای دیگر پیوند خورده است در صدد برپایی کشور میباشند.

کنار رفتن عظامحمد نور از ولایت بلخ باید در جهت گسترش حاکمیت مرکزی و بنیاد یک نظام قانونمند در کشور رقم بخورد نه برعکس آن، در این رستا باید سیاسیون ذیرکانه عمل کنند نه سلیقه ئی. اصولاً کنار گذاشتن عظامحمد نور باید به معنای رفتن به سوی قانونمندی سیاست باشد و جریان های سیاسی و چهره های با نفوذ و با قدرت منفعت خود و گروه های قومی خود را در چارچوب نهادهای حقوقی و قوانین رسمی از طریق پارلمان و حضور در محاکم حکومتی دنبال کنند نه در بحران آفرینی. از این رو، دفاع از عظامحمد نور در این مقطع نتنها یک اشتباه تاریخی است بلکه اگر این روش به یک اصل سایر احزاب تبدیل شود عملاً رفتن به سوی فروپاشی حکومت مرکزی که افغان ها طعم تلخ بی حکومتی و ملوک الطوائفی دهه ۹۰م را چشیده اند؛ میباشد. آقای عطا متعلق به دوره ای است که حکومت مرکزی فروپاشیده بود و مردم برای دفاع از مناطق خود به چهره های قدرت مند نیاز داشتند. آقای عطا هنوز هم با ادبیات زمان جنگ داخلی صحبت میکند، مشروعیت رئیس جمهور و رئیس اجرائی را قبول ندارند، فراتر از صلاحیت های خود حرف میزنند، برای خود امتیازات و صلاحیت هایی قایل است که همخوانی با حاکمیت قانون ندارد. مثلاً او جایگاه و صلاحیت های خود را در حد رئیس جمهور و رئیس اجرائی میداند و به همین خاطر معتقد است که جز خودش هیچ کسی قدرت برکناری اش را ندارد و این امر عملاً اعلان حکومت موازی و زنگ خطر جدی به حکومت مرکزیست که دارد آهسته آهسته قدرت مرکزی را تقویه میبخشد.

پایان

(۱) جنرالان که طی فرمان آقای کرزی بالای ملت تحمیل شدند